

حق غنی سازی از دید حقوق بین الملل

مقاله کوتاه حاضر به این سوال می پردازد که آیا ایران حق غنی سازی را در چارچوب توافقات کلی لوزان به دست آورد یا این که از ابتدا آن را داشت.

بیانیه های نماینده اتحادیه اورپا و آقای ظریف در پایان مذاکرت اخیر در لوزان چیز زیادی نداشت و حتی یک بیانیه مشترک هم نبود و اساساً اهمیت چندانی هم نداشت. آن چه مهم بود توافقات پشت پرده ای بود که زودتر از تصور به وسیله سایت رسمی وزارت امور خارجه آمریکا به عنوان "متن محتوا"ی توافق یا "فکت شیت" بر روی خروجی این سایت قرار گرفت.

بر اساس این سند چهار صفحه ای (۱)، ایران امتیازات وسیع و متعددی را به طرف های مذاکره کننده واگذار کرد که حتی از حوزه هسته ای هم فراتر رفت و به تسلیحات معمولی و بازرسی های معمولات و بسیاری موارد دیگر هم کشیده شد. تمامی خطوط قرمز تعیین شده توسط آقای خامنه ای با مسافتی بسیار زیاد زیر پا گذاشته شد. در برابر این امتیازدهی هائی که باعث حیرت برخی از ناظران شد (۲)، یک برنامه مشروط برای تعلیق برگشت پذیر بخشی از تحریم ها با زمان بندی مبهم و منوط به انجام تمام اقدامات توسط ایران در برچیدن بخش اصلی برنامه هسته ای اش در چارچوب توافقات کلی، مورد توافق قرار گرفت.

اکنون که ظاهراً سیاست آقای خامنه ای بر این قرار گرفته که فعلاً از انظار مخفی بماند تا ائمه جمعه با تمجید از نتایج مذاکرات لوزان جاده را برای این وادادگی وسیع آماده کنند و حتی اجازه داده دستگاه تبلیغاتی و کنترل افکار نظام از آقای ظریف یک چهره ملی، سیاستمدار و مدیر بسازند، لازم است دستمایه هائی هم برای این سیاست فراهم کنند. اما افسوس که در متن محتوای چارچوب توافقات کلی، چیزی بجز امتیازدهی های عجیب و غریب مشاهده نمی شود. به قول یکی از ناظران سیاسی، اگر قرار بود آمریکا بجای مذاکره، به ایران نامه ای بنویسد و به طور یک طرفه فقط دستور بدهد، به سختی می توانست دستوراتی بیشتر از آن چه در توافقات کلی آمده در آن بگنجاند.

بنابراین برای دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی بهترین و شاید تنها مستمسک، قضیه حق غنی سازی است. در حال حاضر مکرراً شنیده می شود افراد حتی تحصیلکردگان دانشگاهی به دلیل ناآگاهی از مقدمات موازین بین المللی حاکم، تصور می کنند که توافقات کلی اخیر حق ایران در غنی سازی را به رسمیت شناخته است. و این تاکتیک نظام حتی در میان مخالفان آقای خامنه ای و جمهوری اسلامی اثر هم داشته است.

حقیقت امر این است که به استناد تصریح ماده چهار قرارداد منع تکثیر سلاح های هسته ای (ان پی تی) این حق برای هر کشور طرف معاهد در این معاهده به رسمیت شناخته شده است. ماده چهار ان پی تی اشعار می دارد:

"هیچ چیز در این معاهده نباید به گونه ای تفسیر شود که حق لاینفک تمامی طرف های معاهد در این معاهده در خصوص تحقیق توسعه، ساخت و استفاده از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز را بدون تبعیض و در راستای مواد یک و دو معاهده حاضر تحت تاثیر قرار دهد."

"Nothing in this Treaty shall be interpreted as affecting the inalienable right of all the Parties to the Treaty to develop research, production and use of nuclear energy for peaceful purposes without discrimination and in conformity with articles I and II of this Treaty."

رویه کشورها نشان می دهد که برخی در آمریکا، انگلیس و فرانسه، به دلیل انحصارطلبی های بازرگانی و ملاحظات امنیتی، در گذشته سعی داشتند غنی سازی را از شمول ماده چهار خارج سازند. اما رویه سایر کشورها در طول حیات ان پی تی (۳)، حتی رویه خود سازمان بین المللی انرژی اتمی (۴) و تقریباً هر چه کتاب و مقاله در خصوص ان پی تی نگارش شده است، غنی سازی را جزئی از حقوق لاینفک کشورهای معاهد می دانند.

بنابراین، حق ایران در خصوص غنی سازی از زمانی که ایران به این معاهده پیوست، به طور خودکار برای ایران وجود داشت و نیازی به گرفتن آن وجود نداشت و هر گونه ادعای خلاف این موضوع فاقد مبنای حقوقی است و صرفاً کاربردی تبلیغاتی و اغوا کننده برای اشخاص ناآشنا با این مسائل دارد که البته باید اذعان کرد اثرات نسبتاً وسیعی هم در میان مردم داشته است. البته این مسئله را باید اضافه نمود که در سال های اخیر به دلیل رو شدن مخفی کاری ها و تخلفات آشکار و غیر قابل انکار جمهوری اسلامی در مسئله هسته ای، از جمله عدم اطلاع رسانی به آژانس در مورد پروژه های متعدد مخفی اتمی و غیره، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه هائی در خصوص محدود سازی یا تعلیق حقوق ایران در برنامه های هسته ای که طبیعتاً غنی سازی بخشی از آن بوده است را صادر نمود تا ایران نسبت به شفاف سازی و انجام تعهدات خود تحت ان پی تی اقدامات لازم را معمول دارد. بدیهی است اگر جمهوری اسلامی از ابتدا ندانم کاری و مخفی کاری نداشت، و یا حتی پس از آن عقلانی رفتار می کرد و نسبت به انجام تعهدات قانونی خود وفق ان پی تی عمل می کرد، اساساً این تعلیقات و محدودیت ها به وجود نمی آمد.

به هر حال، حق غنی سازی برای هر کشور متعهد که تعهدات خود را بدرستی انجام دهد، نیاز به اخذ ندارد و جزء لاینفک حقوق هسته ای کشورهای طرف معاهده ان پی تی است.

شهاب شباهنگ

یکی از حقوقدانان جنبش سبز مردم ایران
هفدهم فروردین ۱۳۹۴ برابر با ششم آوریل ۲۰۱۵

پا نوشت ها:

(۱) ترجمه فارسی آن در: https://greenlawyers.wordpress.com/2015/04/05/jcpoa_april-2015

(۲) به عنوان مثال نگاه کنید به:

blogs.cfr.org/levi/2015/04/02/five-thoughts-on-the-iran-nuclear-framework-agreement

(۳) به عنوان مثال نگاه کنید به رویه های مندرج در:

Zhang, Xinjun. "The Riddle of 'Inalienable Right' in Article IV of the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons: Intentional Ambiguity", Chinese Journal of International Law, Vol. 5, Iss. 3, pp 647-662.

(۴) به عنوان مثال نگاه کنید به مباحث کنفرانس پنج سالانه بازبینی قرارداد ان پی تی در سال ۲۰۰۰:

<http://www.armscontrol.org/print/690>